

پاسخ عراقچی به مخالفان مذاکره


محسن صالحی‌خواه

گزارشگر هم‌میهن

شامگاه شنبه ۴ مرداد ۱۴۰۴ قرار بود دو مصاحبه‌مهم روی آنتن صداوسیما برود که فقط یکی از آن‌ها به آنتن رسید. سعید جلیلی، چهره شاخص تندرو به برنامه زنده خرمشهر در شبکه افق سیما رفت و مصاحبه ضبطی سعیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه اجازه پخش از شبکه سه سیما را نگرفت. اتفاقی عجیب که تا عصر دیروز و زمان نگارش این گزارش، توضیح یا توجیهی برای رخ دادن آن از سوی صداوسیما ی تحت مدیریت جریان جلیلی ارائه نشد. در نهایت عصر روز یکشنبه، این مصاحبه در بخش‌های کوتاه، در کانال تلگرامی وزیر امور خارجه منتشر شد و مورد توجه قرار گرفت. همچنین نسخه کامل آن نیز در کانال یوتیوب رسانه اینترنتی آن-متعلق به س‌سازمان تبلیغات اسلامی- منتشر شد. نکته جالب توجه اینکه متن صحبت‌های عراقچی در این مصاحبه، پس از انتشار، تیتیر یک خبرگزاری صداوسیما شد. مصاحبه عراقچی در واقع قسمت دوم برنامه ماجرای جنگ تولید شده در حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی بود و قسمت اول آن با حضور احمد وحیدی، مشاور فرمانده کل سپاه روز دوم مردادماه، حوالی ساعت ۱۸ روی آنتن شبکه ۳ رفته بود. اگر صحبت‌های مسئول اسبق و فعلی مذاکرات هسته‌ای در یک روز روی آنتن می‌رفت، تعلق آن‌ها به دو جهان متفاوت بیش از پیش خود را نشان می‌داد.

▼ماجرای جنگ از زبان عراقچی

آنچه از آنتن صداوسیما پخش نشد، برنامه‌ایست به نام ماجرای جنگ که گفت‌وگوی جواد موگویی، مستندساز و فعال رسانه‌ای با مسئولان کشور در خصوص جنگ ۱۲ روزه است. سعیدعباس عراقچی در این مصاحبه کوتاه خواسته یا ناخواسته، مجموعه‌ای از هجمله‌های جریان تندرو داخلی در سخنرانی‌ها، صداوسیما و رسانه‌هایی مانند کیهان و رجانیوز را پاسخ داد. بعضی از این مسائل، طی ماه‌های گذشته از سوی حامیان شناخته‌شده و مجازی سعید جلیلی و همچنین شخص او در بعضی سخنرانی‌ها مطرح شده بود. عراقچی در پاسخ به سوالاتی راجع به مخالفت دولت با عملیات وعده صادق ۲ پس از ترور اسماعیل هنیه در تهران گفت: «وقتی شهید هنیه را ترور کردند؛ روز قبلیش دکتر پزشک‌یان سوگند یاد کرده بودند ولی وزرا انتخاب نشده بودند. بنده هم یکی از گزینه‌ها برای وزارت خارجه بودم، همان روز عصرش حضرت آقا جلسه گذاشتند که معمولاً وقتی مسائل مهمی که پیش می‌آید جلساتی را می‌گذاشتند که از من هم دعوت شد افراد شورای عالی امنیت ملی و رئیس جمهور حضور داشتند. در آن جلسه نظر همه بر این بود که باید پاسخ بدهیم ولی در بین سیاست‌پون و نظامیان اختلاف‌نظر درباره زمان و چگونگی وجود داشت. علت اصلی تردید در مورد زمانش اتفاقاً از طرف نظامیان بیان شد. فرماندهان نظامی اعتقاد داشتند که زمانی باید حمله انجام شود که ما مطمئن باشیم پس از حمله، می‌توانیم از کشور دفاع کنیم. اختلاف‌نظر بر حسب زمان و چگونگی حمله هم میان فرماندهان نظامی و هم سیاست‌پون وجود داشت. در آن جلسه قرار شد آمادگی‌های نظامی برای دفاع از کشور بعد از حمله اول پدید بیاید، بعد عملیات صورت بگیرد.»

▼توقیف وعده صادق ۳

وزیر امور خارجه سپس در خصوص وعده صادق ۳ نیز با تأکید بر اینکه جنگ نیاز به آمادگی در حوزه‌های مختلف مانند دفاع در برابر واکنش و همچنین تمامی نیازمندی‌های کشور دارد، گفت: «وقتی وعده صادق ۳ مطرح شد، در یکی از جلسات یکی از دوستان انتقادی کرد که چرا وعده صادق ۳ اجرا نمی‌شود؛ چرا آقای رئیس جمهور مخالف هستند. در آن جلسه سرار شهید باقری با آن فرد در این خصوص برخورد کرد و گفت چرا همچنین چیزی مطرح می‌کنی و من مسئول دفاع از کشور هستم و آن لحظه که مطمئن شوم می‌توانم از کشور در برابر تبغات حمله وعده صادق ۳ دفاع کنم کار خودم را انجام می‌دهم و من هنوز از آقای رئیس جمهور سوال نکردم و ایشان از رئیس جمهور دفاع کامل کرد.» موگویی تلاش کرد از عراقچی پاسخ این سوال را بگیرد که موضوع از سوی چه کسی مطرح شده اما عراقچی پاسخ نداد. صرفاً گفت که فرد مورد نظر در جلسه مذکور تنها بود. موگویی از این صحبت نتیجه گرفت که احتمالاً منظور عراقچی، سعید جلیلی است اما وزیر امور خارجه اشاره کرد «آن کسی که فکر می‌کنید نیست.» عراقچی در این مصاحبه به بمب‌گذاری در ساختمان مقابل خانه‌اش و خنثی‌سازی آن و همچنین پرواز پهپادها بالای سر آن‌ها در جریان سفر زمینی به ترکیه برای عزیمت به ژنوو در روزهای جنگ نیز صحبت کرد. او همچنین گفت که در جریان تماس‌های اسرائیل با مقامات ایران برای تهدید، تماسی با او گرفته نشد. رئیس دستگاه دیپلماسی همچنین به صحبت‌هایی که مبنی بر پذیرش خودسرانه آتش‌بس در جنگ با رژیم اسرائیل مطرح شده بود نیز گفت: «بعضی‌ها عنوان کردند چرا وزیر خارجه اعلام آتش‌بس کرد، من به‌یر خی دوستان گفتم این‌ها از خودشان نمی‌پرسند وزیر خارجه اعلام آتش‌بس کرد، چرا نیروهای مسلح گوش کردند؟ معلوم است که تصمیم جای دیگری است. قبل از اینکه آتش بس اعلام شود در شورای عالی امنیت ملی مصوب شده بود که اگر دشمن نقضای آتش‌بس بدون پیش‌شرط کرد می‌پذیریم و این تصمیم کاملاً هوشمندانه‌ای بود و کاملاً از موضع قدرت بود. تمامی مصوبات شورای عالی امنیت ملی به تأیید مقام معظم رهبری می‌رسد و بعد ابلاغ می‌شود. ساعت ۱ صبح تماس گرفتند که از ساعت ۴ صبح رژیم صهیونیستی آمادگی دارد که حملاتش را متوقف کند. واسطه این پیشنهاد کشورهای مختلفی بودند؛ من این موضوع را با جبهایی که باید، چک کردم و بعد اعلام کردم که آتش‌بس و توقف جنگ را هم قبول نداریم و فقط گفتیم اگر آنها نزنند ما هم نمی‌زنیم.»

رئیس دستگاه دیپلماسی راجع به دوگانه مذاکره و فریب گفت: «وقتی تصمیم به مذاکره می‌شود همه کشور تصمیمی گرفته که باید اجرا شود. اینکه بگویم وزارت خارجه یا سیاست خارجی فریب‌خورد، این درست نیست چون که این تصمیم کشور بوده که این کار انجام شود. اگر کسی در نیروهای مسلح یا درون دولت به‌ه‌وای مذاکرات وظیفه خود را انجام نداد، با او برخورد شود. وزارت خارجه کارش را به دستور مدیریت نظام انجام داده است. نظام تصمیم گرفت وارد مذاکره شود و وزارت خارجه مامور

این کار است.» او ادامه داد: «من معتقدم ما از انجام مذاکرات ن‌ه‌تنها ضرر نکردیم بلکه خیلی نفع بردیم اینکه حقانیت ما در نزد مردم ایران و جامعه بین‌الملل اثبات کرد. کسی می‌تواند ادعا کند اگر مذاکره نمی‌کردیم جنگ نمی‌شد؛ حتماً می‌شد. بلکه زودتر هم ممکن بود، جنگ بشود. چرا مردم در زمان جنگ اینقدر متحد و منسجم بودند چون دیدند نظامشان برایشان همه کار کرده و کوتاهی نکرده در اینکه جلوی جنگ را بگیرد و پای مذاکره رفته و آن طرف بوده که اهل جنگ بوده است.»

▼سه بار تا مرز جنگ رفتیم

رئیس دستگاه دیپلماسی درباره حرکت کشور تا مرز جنگ در یک سال گذشته گفت: «نیروهای مسلح باید آرایش جنگی پیدا می‌کرد که داشت و دولت هم باید آمادگی جنگ را پیدا می‌کرد که کرده بود. بعد از ترور شهید هنیه و عملیات وعده صادق ۲ و سقوط سوریه و انتخاب ترامپ حداقل ۳ بار تا مرز جنگ رفتیم که هم دولت و نیروهای مسلح آماده بودند و هم سیاست خارجی فعالیت زیاد داشت و با دیپلماسی خوف و رجا در منطقه توانستیم جلوی جنگ تمام‌عیار را بگیریم.» او اضافه کرد: «دیپلماسی همیشه راه کم‌خطرتر و کم‌هزینه‌تر برای رسیدن به اهداف است و همیشه اولویت دارد. دیپلماسی همیشه اولویت دارد. اگر دیپلماسی جواب نداد، بقیه گزینه‌ها وسط می‌آید.»

▼منطق مذاکره

ویر امور خارجه درباره اینکه چرا دنبال مذاکره هستید، یا یادآور منطق برجام گفت: «منطق برجام این بود که درباره برنامه هسته‌ای خودش اعتمادسازی می‌کند و محدودیت زمان‌داری را قبول می‌کند. وقتی ترامپ ابراز علاقه کرد که با ما مذاکره کند ما هم گفتیم آماده‌ایم؛ با همان منطق ما به دنبال سلاح هسته‌ای نیستیم. برخی آمدند راه حل‌هایی دادند در مذاکرات مثل کنسرسیوم که مطلوب ما نبود. آنها وقتی دیدند که ایران در مذاکرات کوتاه نمی‌آید، رفتند سراغ گزینه نظامی.» او همچنین گفت: «در زمان پیروزی و وقتی که پرچمت بالا است، باید مذاکره کنی و خواسته‌های خود را مطرح کنی. با گفت‌وگو ترتیبات پس از جنگ چیده می‌شود، نه توپ و تفنگ، تعجب می‌کنم که بر خی می‌گویند چرا الان مذاکره می‌کنید؟ چون پرچم ما بالا است و توانستیم به دنیا زور خود را نشان دهیم؛ چرا مذاکره نکنیم؟ البته باز حساب و کتاب می‌کنیم که کدام مذاکره، کجا و به چه شکلی به نفع ماست؛ قضیه خیلی روشن است.» او تأکید کرد: «مسئله بین جمهوری اسلامی ایران و آمریکا هیچ وقت حل نمی‌شود ولی قابل مدیریت است. یعنی اینکه ما یک مشکل لاینحل داریم دلیل نمی‌شود که به خاطرش هر هزینه‌ای بدهیم. برجام تلاشی در جهت کنترل و کاهش هزینه‌ها بود. الان هم اگر بتوانیم این کار را انجام می‌دهیم، اگر بتوانیم موضوعات را به گونه‌ای مدیریت کنیم که منافع بیشتری و هزینه کمتر برای کشور داشته باشد حتماً این کار را خواهیم کرد. ولی اگر به قیمت تسلیم یا عبور از اهداف آرمان‌های کشور باشد نه این کار را نخواهیم کرد.»

▼چهل دقیقه با جلیلی

سعید جلیلی در گفت‌وگو با شبکه افق سیما، حدود ۴۰ دقیقه روی آنتن بود و صحبت‌هایش نقاط ضعف و قوت داشت. از جمله اینکه او در برابر سوال مجری راجع به صحبت محمدجواد ظریف در آخرین مجمع داووس مبنی بر اینکه اگر او رئیس‌جمهور شده بود جنگ اتفاق می‌افتاد سکوت کرد و موضوع را به حاشیه نبرد. او در پاسخ به این سوال که آیا در دوران مدیریت گفت‌وگوهای هسته‌ای خود اشتباهی مرتکب شده بودید نیز سکوت کرد و بحث خود را ارائه داد. جلیلی صحبت خود را بر این محور استوار کرده بود که نظم پس از جنگ جهانی دوم در حال از بین رفتن است و ایران باید در این شرایط کنشگری کند. اما منظور خود از کنشگری را مشخص نکرد. او همچنین به این موضوع اشاره کرد که سیاست خارجی باید همراه ابتکار عمل و نقطه‌زن باشد اما به مصداق این موضوع هم نپرداخت. او بیشتر به اضمحلال نظم جهانی پرداخت. سعید جلیلی در بخشی از صحبت خود که ناظر بر لزوم کنشگری ایران در بزنگاه تاریخی فعلی و ادامه روند فروپاشی نظم جهانی بود، به این نکته اشاره کرد که نخست‌نتر سابق انگلستان اخیراً در مصاحبه‌ای گفته است که ایران در حال ایجاد یک نظم جدید است. درحالی‌که ریشی سوناک، اخیراً در مقاله‌ای در وال استریت ژورنال، ذیل بحث جنگ اقتصادی چین و آمریکا نوشته بود «دهه آینده یکی از خطرناک‌ترین و در عین حال درگیرکننده‌ترین دوره‌هایی خواهد بود که جهان تاکنون به خود دیده است. کشورهای بازار دموکراتیک باید این لحظه را غنیمت بشمارند و آن را شکل دهند. اگر این کار را نکنند، محور کشورهای اقتدارگرا-چین، روسیه، ایران و کره شمالی- از این فرصت استفاده خواهند کرد.» جلیلی در پاسخ به این سوال که چه توصیه‌ای به تیم سیاست خارجی دارید، گفت: «هر عزیزی که امروز در عرصه خط مقدم سیاست خارجی قرار می‌گیرد، باید بداند رسالت او کاهش سرمایه‌های کشور نیست، بلکه حفظ اترقاء و تقویت آن‌هاست. وقتی مسئولیتی را تحویل می‌گیرید، باید کاملاً مطلع باشید که اگر قرار است از حقوق هسته‌ای کشور دفاع کنید، موقع شروع کار وضعیت چگونه بود و هنگام تحویل دادن چگونه شده است. مثلاً زمانی گفته می‌شد باید حتی یک سانتریفیوژ هم نداشته باشید، اما امروز به ۱۹ هزار سانتریفیوژ رسیده‌ایم؛ زمانی اجازه استفاده از سه درصد از انداشتیم و حالا درباره بیست درصد صحبت می‌شود. اینها همگی بخشی از ارتقای قدرت کشور است و نباید دشمن به دنبال کاهش آن‌ها باشد و سپس سراغ موضوعات دیگر برود. برای تحقق این اهداف، رویکرد سیاست خارجی باید مبتنی بر ابتکار عمل باشد. لازم است سرمایه‌های ملت، قدرت کشور و پشتوانه واقعی آن‌ها را به خوبی بشناسیم.» صحبت‌های جلیلی یادآور سیستم مذاکره‌ای او در دوران مسئولیتش در پرونده هسته‌ای ایران در دوران محمود احمدی‌نژاد بود که امروز با بیشتر شدن خطر بازگشت قطعنامه‌های تحریمی شورای امنیت، بیشتر مورد نقد و بررسی قرار می‌گیرد. جلیلی بابت عملکرد خود در پرونده هسته‌ای مورد انتقاد است. این روزها نیز چند مصاحبه از علی اکبر صالحی، وزیر پیشین امور خارجه، منتشر شده که بخش‌هایی ناگفته از اقدامات جلیلی در جریان این پرونده و همچنین کارشکنی‌ها را مطرح کرده است.

تیتریک

HEADLINE ONE

۲

تیتریک

HEADLINE ONE


پریسا هاشمی

گزارشگر شهری هم‌میهن

هر تقلیدی در جنگ جوا یگو نیست، حتی اگر تقلید درستی باشد. پس از حمله اسرائیل به ایران و شروع جنگ ۱۲ روزه بود که مسئولان متوجه شدند سال‌هایی که شعار می‌دادندو آمادگی مقابله با اسرائیل را فریاد می‌زدند؛ از موضوعات پیش‌پا افتاده هم غفلت کرده‌اند. مسئولان آنقدر در خواب صلح غوطه‌ور بودند که یک پناهگاه هم در کشور نساختند. حتی اجازه دادند پناهگاه‌های دوره جنگ متروکه یا تخریب شوند. به عبارت دیگر جنگ ۱۲ روزه میان ایران و اسرائیل، نه فقط یک ردگیری نظامی، بلکه آینه‌ای از کاستی‌های عمیق در زیرساخت‌های دفاع غیرنظامی کشور بود. هشدار «آمادگی مقابله با دشمن» طی سال‌های گذشته در عمل به فقدان پناهگاه، نبود سیستم هشدار مؤثر و حتی تخریب پناهگاه‌های موجود منتهی شده است.

در این میان، یکی از اعضای شورای شهر تهران از نصب بلندگوهای هشدار در میادین خبر داده و گفته: «با توجه به قطعی اینترنت در جنگ ۱۲ روزه، باید از بلندگو برای اطلاع‌رسانی استفاده کنیم.» اما پرسش مهم این است: مردم پس از شنیدن آژیر خطر به کجا پناه ببرند؟ پناهگاهی وجود دارد؟ اساساً فرصت و آگاهی لازم برای نجات دارند؟ به فرض که مردم به زیرزمین‌ها و پارکینگ‌ها پناه ببرند، اما زیرپرنده‌هایی که آسمان ایران ۱۲ روز محل جولان آنها بود قابل ردیابی و هشدار هستند؟ به نظر می‌رسد برخی از مسئولان در بن‌بست جنگ ۸ ساله با عراق مانده‌اند و هنوز از جنگ اسرائیل که جنگ زیرپرنده‌ها و پهپادها بود، درک درستی پیدا نکرده‌اند. تقلید از الگوی اسرائیل - که منطقه‌ای درگیر جنگ دائمی است و شهروندانش با ساختارهای دفاعی، تمرین‌های منظم و آموزش‌های همگانی آشنا هستند- بدون فراهم کردن حداقل‌های مشابه در ایران، نه تنها بی‌فایده است، بلکه می‌تواند در شرایط بحران به سردرگمی و آسیب بیشتر منجر شود. تجربه اخیر که هشدار جدی است: زیرساخت، آموزش و شفافیت، پیش‌نیازهای هر سیستم دفاع شهری‌اند و حتی بلندترین آژیرها هم راه نجاتی برای مردم کشور باز نمی‌کنند؛ در واقع مردم ایران که نزدیک به ۴۰ سال است از جنگ دور بودند و شرایطشان با اسرائیل و مردمانش کاملاً متفاوت است و غیرقابل مقایسه.

▼ طرح آژیر خطر تنظیم شده است

مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران روز گذشته در پاسخ به سوال هم‌میهن مبنی بر اینکه بلندگوهای هشدار خطر در کدام میادین مستقر می‌شود و مردم چقدر فرصت دارند تا خود را به جای امنی برسانند تأکید کرد: «هنوز ابعاد این موضوع تنظیم نشده است. نه جای این بلندگوها و نه سیستم‌ها مشخص نشده است. در لایحه‌ای که شهرداری به شورای شهر ارائه کرد این مسئله را پیش‌بینی کردیم اما جزئیات طرح هنوز ارائه نشده است.» او در پاسخ به این سوال که این اقدام منطقی است چون زمانی قرار بود اذان از این بلندگوها پخش شود که فراموش شد؟ گفت: «با برنامه‌ریزی می‌توان این طرح را عملیاتی کرد. اما باید مشخص شود که پخش آژیر خطر ضرورت دارد یا خیر؟ این ضرورت را مدیریت شهری نمی‌تواند مشخص کند بلکه مسئولان امنیتی باید این موضوع را بررسی کرده و با وجود رادیو و تلویزیون این طرح ضرورت آن را تشخیص دهند. ضمن آنکه برای این موضوع (آژیر خطر) می‌توان از طریق گوشی‌های معمولی و بدون اینترنت هم استفاده کرد.»

▼ ارتقای ایمنی تهران مهم‌تر از نصب بلندگو

برخی از اعضای شورای شهر تهران مانند احمد صادقی معتقدند: «نصب بلندگوها برای اعلام هشدار یک بخش از کار است و لزوماً نیاز به این بلندگوها نیست چون می‌توان از طریق گوشی‌های موبایل و صدا و سیما هم می‌توان هشدارهای لازم را اعلام کرد.»

مهدی اقراریان، دیگر عضو شورای شهر تهران در پاسخ به این سوال که آیا جنگنده‌هایی که در جنگ اسرائیل و ایران به کار رفت قابل ردیابی و نصب بلندگوهای هشدار خطر ضروری است؟ به هم‌میهن گفت: «من فکر می‌کنم مطرح کردن موضوع آژیر هشدار در اصل یکی از مسائلی است که نباید به صورت بخشی به آن نگاه کرد. ما تجربه واقعی جنگ ۸ ساله ایران و عراق را داریم که در آن هواییماهای عراقی به شهر تهران حمله می‌کردند. در آن دوره هنوز اینترنت هم وجود نداشت. هشدارها از چه مسیری اعلام

بررسی اظهارات اعضای شورای شهر تهران درباره نصب بلندگوهای هشدار در میادین شهر

آژیر بدون پناهگاه

می‌شد؟ از صداوسیما. این موضوع مهم بود و مردم بعد از آژیر خطری که پخش می‌شد، در پناهگاه‌ها می‌ایستادند و نقاط امن خانه‌ها پناه می‌گرفتند. در آن زمان پناهگاه‌هایی هم در مدارس تهران پیش‌بینی شده بود که دانش‌آموزان به محض اعلام خطر به آن پناه می‌بردند. البته محل‌های امنی در خانه‌ها وجود دارد که در شرایط زلزله هم مهم است و در شرایط بحرانی مردم می‌توانند در آن نقاط خانه پناه بگیرند. چارچوب‌های درحی‌کی از این نقاط هستند که در زمان زلزله ایمنی بیشتری دارند. در زمان حمله نظامی شرایط نسبت به فاصله مردم با محل وقوع حادثه متفاوت می‌شود.»

او افزود: «اصل موضوع ارتقاء ایمنی در شهر تهران باید مورد توجه قرار گیرد. این مسئله نیز ناظر به زمان جنگ و غیر جنگ نیست. از دوران دفاع مقدس (از سال ۶۷ تا کنون) که نزدیک به ۴۰ سال و دقیقاً ۳۷ سال گذشته است، ما با مورد بحرانی مواجه نبودیم. بنابراین در حال حاضر نیازمند زیرساخت‌هایی هستیم که در شرایط بحران موضوع مدیریت بحران و تاب‌آوری شهر تهران مدیریت شود و طرح مسائل موردی در خصوص شهر هیچ‌گونه کمکی به حل مشکلات نمی‌کند. کما اینکه رنجبیره‌ای از اقدامات به کمک جامعه می‌آید. به فرض که آژیر خطر هم به صدا دربیاید، مردم می‌دانند که چکار باید انجام دهند و کجا پناه بگیرند؟ پناهگاهی وجود دارد؟ در برخی از کشورها به‌ویژه در سرزمین‌های اشغالی آژیرهای خطر وجود دارد و پس از اعلام خطر مردم می‌دانند که چه اقدامی انجام دهند تا حدی که احتمال دارد در جوی هم دراز بکشند تا از پرتابه‌های انفجارها در امان بمانند و مشکلی برای آنها ایجاد نشود. بنابراین بخشی از ایمنی شهر به فرهنگی برمی‌گردد که در این رژیم وجود دارد.» اقراریان با اشاره به اینکه هرگونه کار تقلیدی باید مناسب با زیست‌بوم، فرهنگ و شرایط کشور انجام شود، تأکید کرد: «اگر این کار با الگو از اقدامات و رفتارهایی که رژیم صهیونیستی دنبال می‌شود باید بگویم که شرایط کشور و پایتخت ما کاملاً متفاوت است. به همین دلیل نوع برنامه‌ریزی ما هم باید متفاوت باشد و باید به صورت کلی به مسئله ایمنی شهر تهران توجه کنیم.»

رئیس کمیته حقوق شهروندی و نظارت شورای شهر تهران افزود: «گزارشی خواندم که تهران جزو ۱۰ شهر در معرض خطر زلزله است. علاوه بر اینکه گزارش‌های این چنینی قابل بررسی باید بپذیریم که در تهران گسل‌هایی وجود دارد. اما به اعتقاد من، خطر اصلی که امروز تهران را تهدید می‌کند؛ خطر جنگ نیست بلکه خطر اصلی خطر پی‌آبی، آلودگی هوا و مرگ خاموشی است وجود دارد و اثرات مخربی که روی فرزندان و نسل آینده ما می‌گذارد. خطری که امروز تهران را به مخمری می‌اندازد؛ خطر حاشیه‌نشینی در اطراف شهر تهران است. حتی خطر تمرکز بیش از اندازه موضوعات غیرضروری در شهر تهران هم پایتخت را تهدید می‌کند. در حوزه صنعت اگر بخواهیم این خطر را تعریف کنیم باید پرسید که آیا ضرورت دارد امروز صنایع در تهران متمرکز باشند؟ ضرورت دارد که مراکز نظامی در شهر تهران قرار داشته باشند؟ ضرورت دارد بخشی از صنایع وابسته به صنایع نظامی در تهران باشند؟ به نظر من این مراکز حتماً باید از شهر خارج شوند. بخشی از پادگان صفر۶ و ساصد (جنگ افزا) راسی سابق در خیابان پیروزی) به شهرداری واگذار شده است تا از آنها برای فعالیت‌هایی غیر از فعالیت‌های حوزه صنایع نظامی بهره‌برداری شود. بنابراین باید این روند را تسریع کنیم تا مراکز نظامی از تهران خارج شوند.»

او با اشاره به اینکه این روزها دوباره موضوع انتقال پایتخت داغ شده است، بیان کرد: «متأسفانه در حوزه حکمرانی دچار رفتارهای سینوسی هستیم. به همین دلیل موضوعی داغ شده و در دستور کار قرار می‌گیرد اما به سرعت به دست فراموشی سپرده می‌شود. این نشان می‌دهد که ما دچار نقص جدی در حوزه حکمرانی روبه‌رو هستیم. علاوه بر آن امروز در حوزه حکمرانی یکپارچه‌نیز با چالش و بحران مواجه هستیم. حوادث مربوط به ۱۲ روز جنگ هشدارهای بسیاری داشت. به اعتقاد من یکی از این هشدارهایی که بر اساس بازدیدهای میدانی به آن پی بردم، ضرورت یکپارچه‌سازی سازمان آتش‌نشانی در سراسر کشور در قالب یک مجموعه جدید است. در حال حاضر آتش‌نشانی در کشور دارای یک انسجام و دستورالعمل در سراسر کشور نیست. تقسیم وظایف بین مجموعه‌های امدادی مانند هلال احمر و مواردی از این دست باید مورد بازنگری و بازبینی قرار گیرد. به نظر من در کشور نیازمند یک ساختار شرح وظایف و تقسیم کار جدید در حوزه مدیریت بحران کشور هستیم. سازمان پدافند غیرعامل اقداماتی را انجام داده اما این اقدامات با شرایط مطلوب فاصله بسیار زیادی دارد، چون سازمان مدیریت سازمان پدافند غیرعامل با بخش‌های مختلفی باید این کار را انجام دهد.»

اقراریان تأکید کرد: «در این زمینه الگوهای موفق و وجود دارد و یکی از این الگوها تشکیل وزارت تخصصی این بخش است، یعنی وزارتخانه‌ای که